

## ویژگی‌های دوران جوانی و مدیریت درست آن‌ها از منظر قرآن،

### روایات و علوم تربیتی

محمد کریم امیری<sup>۱</sup>

#### چکیده

دوران جوانی یکی از دوران حساس در زندگی انسان است و ویژگی‌های مختلفی به همراه دارد. شناخت این ویژگی‌ها برای متولیان تربیتی برای مدیریت و جهت‌دهی درست جوانان، نقشی اساسی دارد. استفاده از ظرفیت این ویژگی‌ها، توانمندی‌هایی ایجاد می‌کند که می‌شود برنامه صحیح‌تری برای رشد تربیتی جوان، در دستور کار قرار داد. در این مقاله به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که ویژگی‌های دوران جوانی باید چگونه مدیریت شود که تربیت قرآنی و معنوی جوانان جامعه بینجامد؟ اطلاعات و داده‌های این مقاله به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و سپس با روش تحلیلی و توصیفی تدوین شده است. براساس یافته‌های این تحقیق، گرایش به دین و معنویت، کمالگرایی و زیبایی‌خواهی، انعطاف‌پذیری و برخورداری از توانایی‌های عقلی و حساسیت در برابر اندیشه‌ها و باورها، از جمله ویژگی‌های دوران جوانی است. علوم تربیتی نیز برای جوان خصوصیات مانند تنش‌های روانی شدید، استقلال‌خواهی، مشارکت‌جویی، طغیان‌گریز، گروه‌گرایی و تغییرات اخلاقی را برمی‌شمارد. از ویژگی‌ها اگر بر اساس آموزه‌های قرآنی و علوم تربیتی، درست مدیریت شود، جوانان در مسیر درست قرار خواهند گرفت.

**کلیدواژه‌ها:** جوان، ویژگی‌های دوران جوانی، انعطاف‌پذیری جوان، علوم تربیتی، قرآن کریم

---

۱. گروه قرآن و علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، سرپل، افغانستان.

ایمیل: m.karim.amiri@gmail.com



## مقدمه

برای اینکه جوان را بشناسیم و نیازهای معرفتی و تربیتی او را فراهم کنیم، لازم است که از توانایی‌های مختلف و ویژگی‌های او باخبر باشیم تا با اطلاع از توانایی‌ها با جوان ارتباط برقرار کنیم. از طرفی انحطاط یا پیشرفت هر کشور یا جامعه‌ای با نسل جوان آن رقم می‌خورد. هدایت و رشد جوان هم با توجه به اطلاع از ویژگی‌های او میسر می‌شود. نوشتار حاضر سعی دارد به دنبال پاسخ این سؤال را «ویژگی‌های دوران جوانی باید چگونه مدیریت شود که تربیت قرآنی و معنوی جوانان جامعه بینجامد»؟ فراهم کند و به بیان برخی از ویژگی‌های این دوران بپردازد. شناخت ویژگی‌های دوران جوانی این هدف را برآورده می‌سازد که چگونه با جوان ارتباط بگیریم و چگونه بتوانیم از ظرفیت‌های وجودی و استعدادهای او در راستای تربیت درستش و در راستای پیشرفت جامعه و کشور بهره لازم را ببریم.

## ۱. مفهوم شناسی

جوان به معنای شهاب که در مقابل پیری، آمده است. (معین، ۱۳۸۶، ۱: ذیل واژه) معنای فتی و شهاب در عربی برای لغت جوان بیان شده و فتی از ریشه فتو به معنای شادابی و طراوت است. شهاب از ریشه شیب به معنای شکوفایی و دارای طراوت است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ذیل واژه)

اینکه جوانی از کدام سن شروع می‌شود یا در کدام سن ختم می‌شود، در بین اهل فن اشتراک نظر وجود ندارد. البته برخی نیز جوانی را دایره مدار سن قرار نداده‌اند، بلکه آن را بر محور ویژگی‌ها و اوصاف اشخاص بحث و تحلیل کرده‌اند. براین اساس جوانی یعنی عبور از ویژگی‌ها و اوصاف کودکی. چنانکه آورده‌اند: «جوانی مدخل زندگی بزرگسالی است؛ مرحله‌ای که دیگر نشانی از صفات کودکی وجود ندارد و فرد از نظر شکل شبیه بزرگسالان است و پس از سپری شدن تحولات بلوغ در طول نوجوانی، ایام جوانی فرامی‌رسد». (سلیمانفر، ۱۳۸۴: ۳۸)



## ۲. ویژگی‌های قرآنی جوان

### ۲-۱. گرایش به دین و معنویت

سنین نوجوانی و جوانی را دوران بیداری مذهبی می‌دانند. در این دوران، تمایلات ایمانی و مذهبی در جوان زنده شده و او علاقه‌مند می‌شود که از علل و مفاهیم آن باخبر شود، آفریننده جهان را بشناسد و از مسائل مربوط به عبادت، مرگ و حیات و بالاخره فلسفه آفرینش سردرآورد. در مواردی نیز تردیدهایی درباره مسائل مذهبی در او پدید می‌آید که نیازمند راهنمایی است.

در داستان حضرت موسی نیز تعدادی از جوانان بودند که به او ایمان آوردند. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَتْهُمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ؛ (یونس: ۸۳) (در آغاز) هیچ‌کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او (آن‌هم) با ترس از فرعون و اطرافیانش که مبادا آن‌ها را شکنجه کنند؛ زیرا فرعون، برتری جویی در زمین داشت و از اسراف‌کاران بود.

### ۲-۲. نیروی جسمی

نیرو و قدرت جسمانی یکی دیگر از ویژگی‌های دوره جوانی است. قرآن دوره کودکی و نوجوانی را یک دوره حساب می‌کند و از دوره جوانی را دوره قدرتمندی می‌داند. این دوره است که انسان به حد زیادی از قدرت بدنی و توان جسمی می‌رسد و از نظر فکری هم رشد قابل توجهی می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ؛ (روم: ۵۴) خدا همان کسی است که شما را آفرید، درحالی که ضعیف بودید. سپس بعد از ناتوانی، به شما قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرارداد. او هر چه خواهد، می‌آفریند و دانا و توانا است.

این آیه دلالت بر توانمندی و نیروی زیاد جوانی دارد. انسان‌ها در اول خلقت خود قادر به دور کردن حتی یک مگس از خود نیست یا حتی نمی‌تواند آب دهان خودش را نگه دارد. قدرت راه رفتن و غذا خوردن را نیز ندارد. از طرفی هیچ چیزی



نمی‌داند؛ اما همه این موارد به تدریج برای انسان حاصل می‌شود و رفته‌رفته به یک توانمندی قابل توجهی می‌رسد تا جایی که از نظر جسمی دارای قدرت و نیرومندی فوق‌العاده می‌گردد و از نظر فکری نیز به کمال می‌رسد. جوان باید توجه داشته باشد که همه این استعدادها و توانایی‌ها را ارج نهد و اینکه این توانمندی به او عاریه داده شده است و طبق آیه شریفه همین توان و نیروی جوانی پس از مدتی دوباره از او گرفته می‌شود. بنابراین فراز و نشیب‌های زیادی بر انسان‌ها حاکم است. جوان این استعداد و نیروی جوانی را باید برای کسب کمالات انسانی و معارف الهی و خشنودی و شناخت خداوند به کار ببندد. امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «عَرَفْتُ اللَّهَ سَبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَحَلِّ الْعُقُودِ وَنَقْضِ الْهِمَمِ؛ خداوند را به وسیله برهم خوردن تصمیم‌ها، فسخ پیمان‌ها و نقض اراده‌ها شناختم». (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸، ۱: ۵۴) این یعنی آیات و نشانه‌های خداشناسی در ایام جوانی، فراوان است و جوان باید آن‌ها کشف کند و از طریق آن‌ها به خداشناسی لازم برسد.

### ۲-۳. زیبایی خواهی و کمال جویی

علاقه به زیبایی و خودآرایی یک امر طبیعی در دوره جوانی است. اسلام که یک دین جامع است و به همه جوانب زندگی بشری اعم از مادی و معنوی توجه خاصی دارد، به بهره بردن از زیبایی، مانند شانه کردن مو، استفاده از عطرها و نیز توجه به بهداشت بدن و... بسیار سفارش کرده است. در روایت آمده است، «ان الله يحب الجمال والتجمل؛ خداوند، زیبایی و خودآرایی را دوست دارد». (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۷۵) مهم این است که میل به خودآرایی باید در حد طبیعی و فطری باشد تا باعث انحراف جوانان نگردد؛ زیرا بسیار دیده‌ایم جوانانی که (دختر یا پسر) به سبب افراط در خودآرایی به راه‌های اشتباه کشیده شده‌اند. علاوه بر این، زیاده‌روی در خودآرایی ممکن است منشأ بیماری و سواس شود و عامل اختلال‌های روحی گردد و شخص را از فعالیت‌های حیات‌بخش بازدارد. جوانان باید جمال و زیبایی را برای خود جمال و زیبایی بخواهند، نه برای جلب توجه دیگران؛ زیرا وقتی می‌توان زیبایی را در همه جا رعایت کرد که فی‌نفسه برای آن ارزش قائل شد؛ اما اگر صرفاً برای برانگیختن دیگران



باشد، ممکن است جوانان را در مسیر ناپسند ریاکاری و خودپرستی قرار دهد. برای دختران، خودآرایی باید در محدوده شریعت مقدس الهی باشد. قرآن کریم درباره استفاده از زینت می‌فرماید:

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛  
(اعراف: ۳۱) ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید! و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد.

## ۲-۴. نرم‌دلی و انعطاف‌پذیری

نرم‌دلی یکی از اموری است که قرآن کریم به آن اشاره دارد. وقتی برادران یوسف از این عمل خود پشیمان شدند و به نزد پدرشان آمدند تا توبه کنند، پاسخ پدر چنین در قرآن نقل می‌شود: «قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (یوسف: ۹۸) گفت: به‌زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم که او آمرزنده و مهربان است». اما همین برادران وقتی نزد یوسف آمدند، حضرت به ایشان فرمود: «قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»؛ (یوسف: ۹۲) یوسف گفت: امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می‌بخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است. «تفاوت گفتار یوسف و پدرش در این است که یوسف همان لحظه آن‌ها را بخشید، ولی یعقوب به آن‌ها گفت که به‌زودی از پروردگار برای شما آمرزش می‌طلبم. این دو نوع گفتار حکایت از تفاوت شخصیت یوسف جوان با یعقوب بزرگ‌سال دارد». (حسینی زاده، ۱۳۹۱: ۸۴)

از اسماعیل بن فضیل نقل شده است که از امام صادق<sup>(ع)</sup> در مورد تفاوت‌های بین گفتار حضرت یعقوب و سخن یوسف سؤال کردم، یکی از پاسخ‌های حضرت به من این بود فرمود: «لَاَنَّ قَلْبَ الشَّابِّ أَرْقُ مِنْ قَلْبِ الشَّيْخِ؛ قلب جوان نرم‌تر از قلب کهنسالان است». (صدوق، ۱۳۸۶، ۱: ۵۴)

## ۲-۵. الگوپذیری

حس الگوپذیری یک امر تکوینی برای جوانان است. جوان همواره به دنبال کسانی

که راه را به درستی پیموده‌اند، می‌گردد. لذا نویسنده‌ای بیان می‌دارد:

با نظر به فطری بودن حس کمال‌طلبی، جوانان برای تکوین شخصیت روحی و فکری و اجتماعی خویش، همواره سعی می‌کنند افرادی را که از نظر مادی یا معنوی به کمال رسیده‌اند، الگوی خویش قرار دهند، گرچه بعضی در تشخیص الگوهای واقعی و به کمال رسیده، اشتباه می‌کنند. دنیای غرب که به این خواسته و نیاز جوانان پی برده است، در اشاعه الگوهای کاذب و شخصیت‌های دروغین می‌کوشد تا جوانان را از هویت انسانی خویش جدا نماید. به همین دلیل به معرفی هنرپیشه‌های فاسد سینما، ورزشکاران بی‌بندوبار، قهرمانان بی‌شخصیت و خوانندگان پست می‌پردازد و آنان را الگو معرفی می‌کند، البته آن‌ها همه این کارها را در پرتو امور مقدسی، مانند ورزش، هنر، دفاع و نشاط روحی به خورد جوانان می‌دهند. ناگفته نماند اصل حس تقلید و الگوپذیری در جوانان مضر نیست، بلکه از عوامل پیشرفت آنان در مسائل فردی و اجتماعی است؛ زیرا با این حس است که جوانان می‌توانند از موفقیت‌هایی که دیگران کسب کرده‌اند استفاده کنند. (سهراب پور، ۱۳۹۳: ۸)

اسلام با توجه به نیاز جوانان به الگوی مناسب سفارش می‌کند که بهترین الگوهای شما پیامبران به خصوص رسول مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> و حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> است. قرآن کریم می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ (احزاب: ۲۱) مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا<sup>(ص)</sup> سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

همچنین در آیه دیگری به اسوه بودن حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> و کسانی که با او بودند، اشاره می‌کند:

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ؛ (ممتحنه: ۴) برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، وجود داشت.

### ۳. ویژگی‌های روایی جوان

#### ۳-۱. ضمیر پذیرا و مستعد

دوران جوانی از دید روایات، یک فصل ممتاز و ارزشمند برای شناخت خود و



خودسازی است. به گونه‌ای که قلب جوان خالی از همه شبهات و مشکلات معرفتی است و اینکه جوان هرچه را در قلب خویش قرار دهد، همان در آن به استحکام می‌رسد و تثبیت می‌شود.

حضرت امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: *وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ؛* همانا دل جوان، مانند زمین خالی از حاصل است که هر چه در آن بکارید، همان را می‌پذیرد. (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸، ۱: ۳۳۷)

رسول مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> می‌فرماید:

*من تعلم العلم في شبابه كان بمنزلة النقش في الحجر و من تعلمه و هو كبير كان بمنزلة الكتابة على وجه الماء؛* هر کس در جوانی چیزی یاد بگیرد، مانند آن است که بر روی سنگ نقش و حک می‌کند، ولی کسی که در پیری چیزی یاد بگیرد مانند آن است که بر روی آب چیزی می‌نویسد. (مغربی، بی‌تا، ۱: ۶۸)

### ۳-۲. برخوردار از استعدادها و توانایی‌های عقلی و ادراکی زیاد

تحولات فکری در جوانان بسیار پردامنه است. هوش و استعداد آنان به اوج تکامل خود می‌رسد و ابعاد ذهن توسعه می‌یابد. در جنبه خرد و ادراک، عقل او در حال رشد و کمال است. او دائماً سرگرم تجربه و آزمایش است و می‌خواهد از حقایق امور سر درآورد.

امام صادق<sup>(ع)</sup> از امام علی<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند که می‌فرماید:

*يُغَرُّ الصَّبِيُّ لِسَبْعٍ وَيُؤَمَّرُ بِالصَّلَاةِ لِسَبْعٍ وَيَفَرَّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ وَيَحْتَلِمُ لِأَرْبَعِ عَشْرَةٍ وَ مُنْتَهَى طَوْلُهُ لِأَحَدَى وَ عَشْرِينَ وَ مُنْتَهَى عَقْلُهُ لِثَمَانٍ وَ عَشْرِينَ إِلَّا التَّجَارِبَ؛* دندان‌های شیری کودک در هفت سالگی می‌ریزد و در نه سالگی باید به نماز امر شود و در ده سالگی رختخواب آن را از هم جدا می‌شود و در ۲۱ سالگی قد او به نهایت خود می‌رسد و در ۲۸ سالگی به بالاترین رشد عقلی می‌رسد، مگر تجربه‌ها که پس از این نیز افزوده می‌شود. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۹: ۳۶۴)

### ۳-۳. دانش اندک جوان

توانمندی جوان به این معنا نیست که جوان در حال حاضر از تمام آگاهی‌های لازم



برخوردار است، بلکه جوان با ورود خویش به دوران جوانی تمام زمینه‌های کسب علم را در خود ایجاد می‌کند و با مقایسه با دوران کودکی در دوران جوانی از استعداد بیشتر و آمادگی زیادی در کسب علم و دانش قرار دارد. با این حال جوان در فقر اطلاعاتی بیشتری قرار دارد و این امر در اول جوانی بیشتر خودش را نشان می‌دهد. در روایات اسلامی به این مطلب توجه شده است که علم و دانش جوان کم و اندک است و به همین جهت جهالت و نادانی او زیاد است. به همین دلیل لغزش‌های جوان پذیرفته و خود او معذور است. چنانکه در روایتی از امام علی<sup>(ع)</sup> می‌خوانیم: «جَهْلُ الشَّابِّ مَعْذُورٌ وَعِلْمُهُ مَحْقُورٌ؛ نادانی جوان معذور، و دانش او خوار شمرده شده است». (آمدی تمیمی، ۱: ۱۰۱)

### ۳-۴. حساسیت روحی و زودرنجی

جوان از نظر جسمی و بدنی دارای رشد قابل توجهی می‌شود، ولی از نظر عاطفی و احساسات بسیار تحمل او کم است، عتاب و سرزنش را قبول نمی‌کند و سریع در مقابل هرگونه سرزنش، واکنش نشان می‌دهد. «از این رو، باید بسیار مواظب بود و در گفتار و رفتار با او جانب احتیاط را بیشتر مراعات کرد. حساسیت و زودرنجی جوان، بیشتر برای نشان دادن خود است و به تدریج و با کسب استقلال و فروکش غرایز و کسب تعادل روانی که گاه از آن به پختگی تعبیر می‌شود، کاهش می‌یابد». (حسینی زاده، ۱۳۹۱: ۷۶)

در برخی از روایات نیز این مطلب به دست می‌آید که جوانان دچار حساسیت، زودرنجی و دل‌آزردگی می‌شود در حدیثی از امام علی<sup>(ع)</sup> آمده است که می‌فرماید: «إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدَّثَ فَاتْرُكْ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ لِيَلَّا يَحْمِلَهُ الْإِخْرَاجُ عَلَى الْمُكَابَرَةِ؛ هرگاه جوانی را توبیخ کردی راهی برای او در توجیه گناهش بازگذار تا موجب لجابت و دشمنی او نشود». (ابن ابی الحديد، ۱۴۱۸، ۲۰: ۳۳۳)

### ۳-۵. شتاب به سوی حسنات و معنویات

حضرت امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛





جوانان را دریابید که آنان شتاب بیشتری برای امور خیر دارد». (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۲۸)  
بر اساس این راهنمایی آن حضرت، جوان را باید به‌سوی خیرات، خوبی‌ها، امور مثبت اجتماعی و فردی و به‌سوی صفات فردی مثبت راهنمایی کرد؛ زیرا قلب رقیق و ذهن او برای جذب امور معنوی فعال‌تر است.

### ۳-۶. مورد مباهات خداوند و ملائکه

جوانی که زیبایی و نیک‌سیرتی خود را در راه خداوند هزینه کند، از بهترین خلائق نزد خداوند شمرده شده و از زمره کسانی می‌شود که خداوند و ملائکه به او مباهات می‌کنند. رسول مکرم اسلام (ص) می‌فرماید:

إِنَّ أَحَبَّ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى شَابٌّ حَدَّثَ السَّنَّ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ، جَعَلَ شَبَابَهُ وَجَمَالَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى، ذَاكَ الَّذِي يُبَاهِي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مَلَائِكَتَهُ، فَيَقُولُ: هَذَا عَبْدِي حَقًّا؛ هَمَانَا مَحْبُوبُ تَرِينِ خَلْقٍ نَزْدَ خُداوَنَد، نُوجُوَانِي (جوان) زِيَارُوِيِي اَسْتُ كَهْ جُوَانِي وَزِيَاِيِي خُود رَا بَرَايِ خُدا وَدَر رَا ه اطَاعَت او قَرَار مِي دَهْد. او كُسي اَسْتُ كَه خُدا بَه او بَر مَلَايْكَه مَبَاهَات مِي كُنْد وَ مِي كُوِيْد: اِيْن بَنْدَه وَاَقْعِي مَن اَسْتُ. (مُتْقِي هِنْدِي، ۱۴۰۹، حَدِيث ۴۳۱۰۳)

### ۳-۷. همت و عزم راسخ

یکی از ویژگی‌های دوره جوانی همت و عزم راسخ است. او در این دوران به‌شدت به‌طرف کار، تلاش، حرکت و فعالیت چند برابر از خود نشان می‌دهد و تصمیم‌های بزرگ و سختی می‌گیرد. گاهی می‌خواهد آن‌قدر درس بخواند که استاد شود، گاه به کارهای فنی و حرفه‌ای علاقه نشان می‌دهد و عزم به یادگیری آن می‌کند، گاه می‌خواهد انواع ورزش‌های رزمی را تعلیم ببیند و... در حقیقت این عزم و تصمیمی جوان به همت او بستگی دارد، هرچه همت جوان بلند باشد، لازمه‌اش انجام کارهای بزرگ از سوی جوان است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ مَعَالِي الْأُمُورِ وَأَشْرَافَهَا، وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا؛ خُداوَنَد مُتَعَالِ كَارِهَايِ وَالَا وَشَرِيْف رَا دُوسْتُ دَارْد وَ كَارِهَايِ پَسْتُ وَ حَقِيْر رَا خُوش نَدَارْد. (مُتْقِي هِنْدِي، ۱۴۰۹، حَدِيث ۴۳۰۲۱)

بر این اساس جوانی که همت او پایین و پست است و تصمیمات بسیار کوچک



برای زندگی خود دارد، هیچ‌گاه در زندگی موفق نخواهد بود. ارزش انسان‌ها و از جمله جوانان با همت او سنجیده می‌شود. چنانکه امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ؛ ارزش آدمی به قدر همت او است». (نهج البلاغه، حکمت ۴۷) همت در فرهنگ کلامی و عملی معصومین<sup>(ع)</sup> جایگاه بسیار والایی دارد؛ به گونه‌ای که امام سجاد<sup>(ع)</sup> در دعای خود سخن از درخواست همت بلند دارد و می‌فرماید: «... از همت، عالی‌ترین آن را... عطایم کن». (امام سجاد، ۱۳۷۴، دعا ۳۹)

همت بلند و عزم راسخ، جوان را به سمت وسوی رشد و تکاپو سوق می‌دهد و از زندگی یکنواختی و راکد رهایی می‌بخشد. بلندهمتی، بزرگی، وقار، غیرت، حیا، شجاعت و عزت نفس به همراه دارد. امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «الْحِلْمُ وَالْأَنَاةُ تَوَامَانِ يَنْتَجِبُهُمَا عُلُوُّ الْهِمَّةِ، بردباری و وقار دو همزادند که از بلندهمتی زاییده می‌شوند». (نهج البلاغه، حکمت ۴۶۰) هرچه همت جوان بلند باشد، از شجاعت بیشتری برخوردار است. «شُجَاعَةُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ؛ شجاعت مرد به اندازه همت او است». (آمدی تمیمی، بی‌تا: حدیث ۵۷۶۳) «مَنْ صَغُرَتْ هِمَّتُهُ بَطَلَتْ فَضِيلَتُهُ» هر که همتش کوچک باشد، فضیلتش از بین برود». (آمدی، حدیث ۸۰۱۹) بیماری دیگری که از کومه همتی و سستی اراده حاصل می‌شود، حسادت نسبت به دوستان است. جوانی که همت و اراده‌اش متوقف شود و به امور پست بپردازد، به کم‌ها و به زشتی‌ها قانع و راضی می‌شود. امام علی<sup>(ع)</sup> فرمودند: «مِنْ صِغَرِ الْهِمَّةِ حَسَدُ الصَّدِيقِ عَلَى النِّعْمَةِ؛ حسادت بر نعمت دوست، از دونهمتی است». (آمدی، حدیث ۱۰) همت انسان با رحم و مروت گره خورده است چنانکه امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «لَا مُرُوءَةَ لِمَنْ لَا هِمَّةَ لَهُ؛ کسی که همت ندارد، مروت ندارد». (مجلسی، بی‌تا، ۷۵: ۱۱۱)

## ۴. ویژگی‌های جوان از نگاه علوم تربیتی

### ۴-۱. رشد جسمی

یکی از ویژگی‌های دوره جوانی استعداد و توانایی بر رشد جسمی جوان است. در



سن جوانی رشد جسمی بسیار سریع و با قدرت پیش می‌رود. البته رشد جسم انسان در همه حال وجود دارد؛ اما در سن جوانی با ترشح هورمون‌های بلوغ، تغییرات و تحولات جسمی در وجود جوان بروز می‌کند که نسبت به دیگر زمان‌ها بسیار خاص است. تغییرات مانند رویدن مو در صورت و نقاط دیگر بدن، زمخت شدن صدا و پدید آمدن نیروی شهوت و تغییرات دیگری مانند بلند شدن قد و اضافه شدن وزن در بدن جوان است. البته در این میان خوراک جوان بسیار مهم است و باید دقت شود که به موازات رشد بدنی و جسمی جوان خوراک او نیز تقویت شود. این بدان جهت است که رشد جسمی جوان نیاز به نیرویی دارد که از خوراک اخذ می‌نماید. (ر.ک. قائمی، ۱۳۷۰: ۵)

#### ۲-۴. بیداری مذهبی

بیداری مذهبی یکی دیگر از ویژگی‌های جوانی است. او در این دوره تلاش می‌کند تا بفهمد که این جهان چگونه است. خالق این جهان کیست؟ علل پدید آمدن این جهان چیست. از چگونگی انجام عبادات، مرگ و حیات در جهان دیگر سر در بیاورد. البته در برخی از موارد نیز دچار شک و تردید می‌شود که باید متولیان امر تربیت او، موارد مشکوک را به خوبی برای او تشریح نماید تا پاسخ صحیح‌تری بیابد. (ر.ک. احمدی، ۱۳۹۳: ۵۹) در همین راستا است که حضرت امام خمینی (ره) از همه دانشمندان و متفکران درخواست می‌کند که مکتب اسلام را به جوانان تشریح نمایند، مجامع دینی و مذهبی برای جوانان فراهم آورید تا آنان به سوی فساد سوق نیابد. (خمینی، ۱۳۸۶، ۱: ۹۹) البته باید شور و اشتیاق مذهبی جوان را به سوی امور خیر، تعاون، مبارزه با فساد، مبارزه با استثمار و مبارزه با استضعاف و نیز آزادی‌خواهی و عدالت محوری و دوری از ظلم سوق دارد.

#### ۳-۴. تنش‌های روانی شدید

یکی از ویژگی‌های دوره جوانی تنش‌های روانی شدید است. و به همین جهت به نام‌های مختلف نام‌گذاری شده است مثلاً استانی هال «از آن به دوران طوفان و فشار



یاد می‌کند، «پیاژه» جوانی را دوره آشوب درونی و انقلاب شخصی می‌نامد، «لوین» آن را دوره بی‌سروسامانی می‌خواند، «افلاطون» جوان را شراب زده تعریف می‌کند» (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۶: ۲۹) برخی از پژوهشگران این دوره را چنین توصیف کرده‌اند: «این دوره را به این دلیل که استعدادهای مختلف انسان به سطح بی‌سابقه از رشد و فعلیت می‌رسد، می‌توان دوران انفجار نیروهای خفته و فوران انگیزه‌های مختلف نامید. انگیزه‌های شکوفا شده این دوره سیری ناپذیر است». (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۲: ۱۸۵)

#### ۴-۴. استقلال‌خواهی و مشارکت‌جویی

جوان تا قبل از دوره جوانی زیاد به مستقل بودن انجام امور علاقه نشان نمی‌دهد، ولی وقتی به سن جوانی می‌رسد، به انجام کارها توسط خودش علاقه شدیدی دارد. چنانچه نویسنده‌ای می‌گوید:

کودکان تا به دوره جوانی می‌رسند، به استقلال و وابسته نبودن، علاقه بسیار پیدا می‌کنند. آن‌ها علاقه‌مند می‌گردند کارهایشان را خود انجام دهند و در اموری مانند تحصیل، انتخاب شغل و حرفه، انتخاب دوست و همسر، پوشیدن لباس و رفت و آمدها، خود تصمیم بگیرند. این حس که خداوند حکیم در وجود آنان قرار داده، زیربنای اعتماد به نفس، موفقیت در جامعه و مسئولیت‌های اجتماعی است. بنابراین جوانان عزیز باید مواظب باشند، ضمن اشباع حس استقلال‌طلبی خویش از تذکرها و راهنمایی‌های والدین خود که در مسائل زندگی از تجربه بیشتری برخوردار هستند، کمال استفاده را ببرند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰: ۳)

#### ۴-۵. آرزومندی جوان

در سن جوانی انواع و اقسام خیالات و آرزوها در ذهن جوان می‌گذرد. او در دنیای افکار خویش سیر می‌کند. نویسنده می‌نویسد: «جوانان و نوجوانان شهروندان شهر آرزوهایند. این امر تا حدودی طبیعی است؛ زیرا خیالات و آرزوها نوعی ارضای خاطر را برای جوانان به ارمغان دارد و به حکم «وصف العیش نصف العیش» پرواز در دنیای افکار، توهمات و تخیلات می‌تواند نوعی لذت‌های روحی، هرچند زودگذر



را به دنبال داشته باشد». (امینی، ۱۳۹۲: ۳۹)

آری جوان با غوطه‌ور شدن در آرزوهای خود زندگی می‌کند و همین غریزه اگر درست و صحیح هدایت نشود به‌عنوان یک خطر می‌تواند در جوان تأثیر منفی بگذارد و مقدمات سقوط و انحطاط را برای او رقم بزند. آرزوهای دور دراز و دست‌نیافتنی همواره جوان را به فضای غیرواقعی سوق می‌دهد و او با این آرزوهای دست‌نیافتنی و تداوم آن‌ها دچار سرگشتگی می‌شود و چه‌بسا منجر به مشکلات روحی شود. لذا کنترل و هدایت صحیح این آرزوها به لحاظ تربیتی یک امر حتمی و ضروری است.

#### ۴-۶. طغیان غرایز

جوانان در دوره جوانی از احساسات و تمایلاتی بسیاری برخوردارند و این بعد چنان قوی می‌شود که گاهی امور عقلی و منطقی را برنمی‌تابند و افراد که از قوه عقل و منطق استفاده می‌کنند، در نظرشان کوچک و حقیر می‌آیند. این‌گونه بروز احساسات و تمایلات گاهی جوان را با خطراتی مواجه می‌نماید و سبب می‌شود که جوان در مقاطعی تصمیماتی غیرمنطقی و از روی احساسات بگیرد.

البته اصل وجود احساسات و غرایز مخصوص جوان نیست، بلکه در همه سنین این نیرو وجود دارد؛ اما این نیرو در جوان بسیار قوی ظهور و بروز دارد. چون انواع خواهش‌ها در وجودش به جوشش آمده است و از طرفی دیگر در کنترل این غریزه نیز هیچ‌گونه تجربه ندارد. ازاینجا است که باید بسیار از خویش مراقبت نماید. جوان می‌تواند با استفاده از تقویت نیروی عقل و اراده و غور در معنویات بر احساسات و غرایز خویش فائق آمده و بر آن چیره شود؛ زیرا جوان اگر عقلش را تقویت نکند، حتماً قوه غضب و شهوتش غالب خواهد شد. لذا ضروری است که جوان باید در مرحله اول به تقویت تفکر، منطق و قوای عقل و معنوی خود پردازد تا اسیر قوای مخالف عقل و منطق نشود.

بزرگان ما به سبب طوفانی شدن غرایز در جوانی، جوانی را از اقسام مستی و شعبه‌ای از جنون می‌دانند. البته این حکم برای جوانانی است که غرایز خود را کنترل نکرده‌اند، وگرنه جوانانی بوده و هستند که بر اثر رعایت تقوا و تعقل و اراده به مراتب بالایی رسیده‌اند و غرایز



را مقهور عقل خویش ساخته‌اند. (سهراب پور، ۱۳۹۳: ۹)

آلکسیس کارل می‌گوید:

حالات عاطفی، رنج‌ها و شادی‌ها و عشق و کینه ما هر لحظه در طرز تفکر مؤثر است. کسی که فکر می‌کند یا مطالعه و قضاوت می‌نماید، در عین حال ممکن است تحت تأثیر امیال و آرزوها و شهوات خود خوش‌بخت یا بدبخت، مضطرب یا آرام، بشاش یا افسرده باشد. به این ترتیب جهان در دیده ما بر وفق حالات عاطفی و فیزیولوژیکی که در عمق متغیر، شعور ما را در حین فعالیت فکری می‌سازد، نماهای مختلفی به خود می‌گیرد. می‌دانیم که عشق، کینه، خشم و ترس می‌تواند حتی منطق را منحرف و مختل سازد. (کارل، ۱۹۷۸: ۶۷)

#### ۴-۷. گروه‌گرایی

گروه‌گرایی هم یکی از ویژگی‌های جوانان است. جوانان به اقتضای سن خود و تمایلاتی که دارد، علاقه‌مندند که همواره در گروه‌های عضو باشند و توانمندی و استعداد خود را بروز دهند. جوانان شدیداً از گمنامی و تنهایی تنفر دارند و علاقه‌مندند در یک گروه و تشکیلات با دیگر همسالان خود فعالیت کنند. تمایل به گروه و جمع که خداوند حکیم در فطرت جوانان قرار داده است، می‌تواند در پیشرفت اجتماعی و کسب تجارب و اعتماد به نفس آنان نقش بسزایی داشته باشد؛ اما نکته مهمی که جوانان باید بدانند، این است که سعی کنند خود را در گروه‌هایی قرار دهند که از هر جهت (مکتبی، اجتماعی، خانوادگی و غیره) سالم باشند و مربیان هم باید جوانان را به سوی گروه‌های سالم رهنمون گردند. (ر.ک. صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰: ۷)

#### ۴-۸. غریزه جنسی

یکی از ویژگی‌های مهمی که در جوان بروز می‌کند، غریزه جنسی است. وقتی جوان به سن بلوغ می‌رسد این غریزه به شکل طوفانی خودش را نشان می‌دهد و اینجا است که جوان به شکل افراطی میل به جنس مخالف پیدا می‌کند. البته وجود این غریزه طبق قانون خلقت برای تداوم نسل بشر امری لازم و ضروری است و از طرفی دیگر نیز یکی از عوامل لذت و کامیابی به شمار می‌رود.

نظریه‌های مختلف در میان اهل تحقیق درباره چگونگی بر خود و تعامل با



غریزه جنسی مطرح است که بر اساس دسته‌بندی سهراب پور به سه راهکار تقسیم می‌شود:

اول: نظریه کسانی است که معتقد به از بین بردن غریزه جنسی هستند و می‌گویند آمیزش جنسی، امری منفور و حیوانی است و در شأن انسان نیست. بسیار بوده‌اند کسانی که از این نظریه پیروی و خود را از یک امر طبیعی و خدادادی محروم کرده‌اند. کسانی هم بوده‌اند که تحت عنوان تکامل و تعالی روح، به چنین کاری دست‌زده‌اند. این راه، راه تفریط و ظلم به غرایز و طبیعت بشر است.

دوم: نظریه کسانی است که درست مخالف گروه اول هستند، یعنی کسانی که راه را به افراط پیموده‌اند و معتقدند که غریزه جنسی را در هر شرایطی باید اشباع کرد و به هیچ وجه نباید جلو آن را گرفت. البته به محدودیت‌های اجتماعی، قانونی، اخلاقی و مذهبی در این مورد نباید توجه کرد، بلکه سعادت انسان درگرو اشباع این غریزه در هر شرایط است. این نظریه که نظر فروید و پیروانش است، بزرگ‌ترین ضربه به پیکر اخلاق، عفت عمومی، ارزش‌های انسانی، جوامع بشری و جوانان زده است و بسیاری را به منجلاّب فساد و تباهی کشانده است. این نظریه، هنگامی اثرهای منفی بیشتری دارد که توجیه علمی و روان‌شناسانه هم شود و چنین فرض شود که فطرت بشر، خواستار چنین اشباعی در غریزه جنسی است و اگر آن را محدود کنیم، صدمه‌هایی بر پیکر روان وارد کرده‌ایم. حال آنکه این فروید و پیروانش هستند که بزرگ‌ترین ضربه را بر روان انسان‌ها به‌ویژه نسل جوان وارد کرده‌اند.

سوم: راه اعتدال و راه فطرت است، نظریه پیامبران الهی و پیروان واقعی آن‌ها است. طبق این نظریه، نه سرکوبی مطلق غریزه جنسی پسندیده است و نه افراط و زیاده‌روی در این غریزه ممدوح است، بلکه این غریزه هم مانند سایر غرایز باید در حد طبیعی و فطری اشباع شود و در چارچوب مسائل خانوادگی، اخلاقی و اجتماعی به آن جواب مثبت داده شود. پس جوانان عزیز باید بدانند این غریزه بسیار قوی و تند است و همچون شعله آتش است که اگر زبانه بکشد، تمام فضایل را در وجود انسان می‌سوزاند و رودخانه‌ای است که اگر طغیان کند، همه‌چیز را می‌برد و تخریب



می‌کند، لذا جوانان باید در محدوده اصول اخلاقی، مذهبی و اجتماعی به اشباع این گزینه پردازند و بهترین راه برای این کار ازدواج است و اگر امکان ازدواج برایشان نیست با صبر و پاکدامنی در انتظار زمان ازدواج باشند و اهتمام ورزند از راه‌های شیطانی به اشباع این گزینه پردازند که عاقبت خوبی نخواهد داشت. (سهراب پور، ۱۳۹۳: ۱۵)

#### ۹-۴. تغییرات اخلاقی

در سن جوانی یکی از اموری که برای جوان ظهور و بروز می‌کند، رفتار اخلاقی او است. گرچه رعایت مسائل اخلاقی در همه سنین و حتی در کودکی نیز برای انسان تا حدودی است، ولی در جوانی این حس و پابندی به مسائل اخلاقی در جوان رشد و نمو می‌کند و جوان به سوی رشد و تعالی اخلاقی بیشتر علاقه مند می‌شود و سعی می‌کند که یک شخص پاک، با انصاف و پاک دامن باشد. از این رو است که جوانان بیشتر به عدالت محوری تمایل دارند و از ظلم و ستم دوری می‌کند و حتی اگر در جای ظلمی صورت گیرد، همیشه سعی بر افشای آن و نیز از مظلوم همواره دفاع می‌کند. از طرفی دیگر جوان باید قدر این تحول اخلاقی را در خود ارج نهاد و همیشه در راستای رشد و ترقی اخلاقی خود گام‌های مطلوب تری بردارد تا بر اثر بی‌دقتی، این ویژگی در او کم رنگ نشده و چه بسا کاملاً مضمحل نشده از بین نبرد. از همه مهم تر خود جوان به ظالم تبدیل نگردد. چنان امام خمینی (ره) می‌فرماید: «ممکن است یک جوان خیلی مهذب و خوب باشد، لیکن به تدریج ظالم شود». (خمینی، ۱۳۸۶، ۱۸: ۱۵۷)

#### ۱۰-۴. تغییرات عاطفی

وجود عواطف یکی از سرمایه‌های بزرگ و بسیار ارزنده دوره جوانی است، البته باید این ویژگی نیز مانند دیگر ویژگی‌ها در مسیر صحیح و درست طی طریق نماید تا در مسیر تکامل رهنمون شود. در سایه همین ویژگی است که مسائل اخلاقی مانند محبت، وفاداری، احترام، حمایت از پادشاهان، دستگیری یتیمان، برای مظلوم پیا





خاستن و... به وجود می‌آید. وجود همهٔ این موارد از نشانه‌های رشد و تکامل انسان است. آری در این دوره احساسات تند و تیز جوان تمام وجودش را فرا می‌گیرد و به همین جهت است که نیاز مبرم به مراقبت دارد، یکی از وظایف متولی تربیت جوان مراقبت و مواظبت بر این ویژگی است.

### نتیجه‌گیری

ویژگی‌های متعددی از دیدگاه قرآن، روایات و نیز از نظر علوم تربیتی، برای جوان و دروان جوان جوانی برشمرده شده است. پدر و مادرها یا متولیان امور تربیتی وقتی ویژگی‌های جوان را بشناسند و بر اساس آن به امور تربیتی بپردازند و به جوانان کمک کنند که این اوصاف و تغییرات رفتاری خود را به درستی مدیریت کنند. جوانان سرمایه‌های اساسی و مهم یک جامعه هستند و بر متولیان امور لازم است که زمینه‌های رشد و بالندگی آنان را در عرصه تعلیم و تربیت و کمالات معنوی فراهم کنند تا کشور و مردم از استعدادهای و توانایی‌های آنان در عرصه‌های گوناگون استفاده کنند.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، (۱۴۱۸ هـ)، شرح نهج البلاغة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۳. احمدی، احمد، (۱۳۹۳)، روانشناسی نوجوانان و جوانان، بی‌جا: نشر صغیر.
۴. امام سجاد، (۱۳۷۴) صحیفه سجادیه، بی‌جا: پیام آزادی.
۵. امینی، کبرا، (۱۳۹۲)، تربیت دینی جوانان در قرآن و روایات، (پایان نامه سطح ۳)، راهنما: حسین مهدی زاده، مشاور: محمدرضا قائمی نیا، قم: جامعه الزهرا.
۶. آمدی تمیمی، سیف الدین، (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الإسلامی.
۷. جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۵)، روان شناسی رشد (۲) با نگرشی به منابع اسلامی، تهران: سمت.
۸. حاجی ده آبادی، محمد علی و حسینی حسینی زاده، سید علی، (۱۳۸۶)، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۰. حسینی زاده، علی، (۱۳۹۱)، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. حمیری، عبد الله بن جعفر، (۱۴۱۳)، قرب الإسناد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۲. خمینی، روح الله، (۱۳۸۶)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. سهراب پور، همت، (۱۳۹۳)، جوانان در طوفان غرایز، قم: بوستان کتاب.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۳۹۰)، با جوانان، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.



۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۸۶)، *علل الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، *الامالی*، قم: دار الثقافة.
۱۷. قائمی، علی (۱۳۷۰)، *شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان*، تهران: نشر امیری.
۱۸. کارل، الکسیس، (۱۹۷۸)، *انسان موجود ناشناخته*، (ترجمه: عنایت الله شکیباپور)، بی جا: انتشارات شهریار.
۱۹. متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۹ ق)، *کنز العمال*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، (بی تا) *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۱. معین، محمد، (1386)، *فرهنگ معین*، بی جا: زرین.
۲۲. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، (بی تا)، *تأویل الدعائم: تریبة المؤمنین بالتوفیق* علی حدود باطن علم الدین، القاهرة: دار المعارف.

